

3254

۵۰۹

-

۵۱۷

اصراف



www.ketab.ir



مناویہ



دکتر محمد حسن حسینی

علی ربانی کلیایگان



WWW.KETAB.IR



سرشناسه : ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۳۴ - Rabbāni Golpayagān, Ali  
 عنوان و نام پدیدآور : معنا و معیار علم دینی در گستره علوم تجربی / علی ربانی گلپایگانی.  
 مشخصات نشر : قم : نشر راند، ۱۳۹۷.  
 مشخصات ظاهری : ۵۱۶ ص.  
 شابک : 978-600-95788-7-0

فهرست نویسی : فیبا  
 یادداشت : واژه نامه. کتابنامه.  
 موضوع : علم و دین  
 موضوع : Religion and science  
 موضوع : اسلام و علوم  
 موضوع : Islam and science  
 رده بندی کنگره : عم ۱۳۹۷ / ۲ / ۲ / ۲۴۰ BL

رده بندی بیوی : ۳۰۱ / ۱۷۵  
 کتابشناسی ملی : ۳۴۱۹۸۱۲

### شناختنامه

نام کتاب: ..... معنا و معیار علم دینی در گستره علوم تجربی  
 مؤلف: ..... علی ربانی گلپایگانی  
 ناشر: ..... راند  
 نوبت چاپ: ..... اول / ۱۳۹۷ / قم  
 تیراژ: ..... ۵۰۰ نسخه  
 طرح جلد: ..... حسن مجتبی زاده  
 صفحه آرا: ..... عطاءاله نصرانی  
 شابک: ..... ۹۷۸ ۶۰۰ ۹۵۷۸۸ ۷-۰



**کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است**

**مرکز پخش: انتشارات راند: قم: ۰۹۱۹۷۴۶۳۱۳۳ - ۰۲۵۳۲۸۱۲۹۰۰**

## پیش‌گفتار

- ۲۱ ..... بیسینه و انگیزه طرح مساله علم دینی
- ۲۱ ..... ۱. در جهان غرب
- ۲۳ ..... ۲. در جهان اسلام
- ۲۵ ..... ۳. در ایران

## بخش اول: چیستی علم، دین و علم دینی

- ۳۱ ..... فصل اول: چیستی علم
- ۳۱ ..... گفتار اول: علم در لغت و اصطلاح
- ۳۱ ..... علم در لغت
- ۳۲ ..... علم در اصطلاح
- ۳۳ ..... کاربردهای علم
- ۳۴ ..... گفتار دوم: علم و کاشفیت
- ۳۶ ..... انکار کاشفیت علم، مبتنی بر کاشفیت علم
- ۳۷ ..... کاشفیت علم، و خطا در ادراکات
- ۳۸ ..... تحلیل خطا در ادراکات
- ۴۱ ..... بررسی اشکالات بر نظریه کاشفیت و مطابقت
- ۴۱ ..... ۱. شبهه تناقض در اندیشه مطابقت
- ۴۱ ..... پاسخ
- ۴۲ ..... ۲. نفی جهت داری علم
- ۴۲ ..... پاسخ
- ۴۳ ..... ۳. موانع داخلی و خارجی کشف

- ۴۴ ..... پاسخ
- ۴۴ ..... گفتار سوم: علم به عنوان نظام معرفتی
- ۴۶ ..... معنای برگزیده
- ۴۷ ..... ملاک تمایز و مرزبندی علوم
- ۵۱ ..... عقلانی یا استحسانی؟
- ۵۲ ..... سر نوشت گزاره‌های نادرست
- ۵۳ ..... توصیف و توصیه در علم
- ۵۵ ..... گفتار چهارم: اهداف علوم تجربی (طبیعی)
- ۵۶ ..... الف) تبیین علمی
- ۵۶ ..... ساختار منطقی تبیین
- ۵۸ ..... مثال‌های دیگری از تبیین علمی
- ۵۹ ..... ب) پیش‌بینی علمی
- ۶۱ ..... دیدگاه درست
- ۶۲ ..... گفتار پنجم: ابطال‌پذیری نظریه‌های علمی
- ۶۵ ..... ارزیابی
- ۶۸ ..... اشکال
- ۶۸ ..... پاسخ
- ۷۱ ..... نتیجه
- ۷۲ ..... گفتار ششم: علوم طبیعی و علوم انسانی
- ۷۳ ..... ملاحظات
- ۷۵ ..... گفتار هفتم: روش‌شناسی علوم انسانی
- ۷۶ ..... ۱. رویکرد پوزیتیویستی در علوم انسانی
- ۷۸ ..... ارزیابی
- ۷۸ ..... ۲. رویکرد تجربه‌ناپذیری علوم انسانی
- ۷۹ ..... الف) ارادی و اختیاری بودن رفتارهای انسانی
- ۷۹ ..... ارزیابی
- ۸۰ ..... ب) تاثیرپذیری انسان از محیط و فرهنگ اجتماعی
- ۸۰ ..... ارزیابی

۸۱	.....	ج) پیچیدگی وجود انسان
۸۱	.....	نقد
۸۲	.....	ارزیابی
۸۴	.....	د) تاثیرپذیری دانشمندان از جهان بینی و ایدئولوژی
۸۴	.....	نقد
۸۶	.....	ارزیابی
۸۶	.....	۳. روش تفهیمی و تفسیری در علوم انسانی
۹۲	.....	ارزیابی
۹۵	.....	ارزش معرفتی روش تفهیمی
۹۵	.....	عناصر تفهیم در علوم طبیعی
۹۷	.....	ارزیابی
۹۸	.....	تفکیک مقام داوری از مقام بردآوری
۹۹	.....	ارزیابی
۱۰۱	.....	گفتار هشتم: از گفت و گوی متن و مفسر، تا دیالکتیک تبیین و تفسیر
۱۰۱	.....	الف) گفت و گوی متن و مفسر
۱۰۲	.....	ارزیابی
۱۰۴	.....	ب) دیالکتیک تبیین و تفسیر
۱۰۵	.....	ارزیابی
۱۰۷	.....	<b>فصل دوم: چستی و قلمرو دین</b>
۱۰۷	.....	گفتار اول: چستی دین
۱۰۷	.....	۱. دین در لغت
۱۰۹	.....	۲. دین در اصطلاح
۱۰۹	.....	الف) تعریف اعم: باورها و برنامه‌های زندگی
۱۱۰	.....	دین، راه رسیدن به سعادت
۱۱۲	.....	دین بشری و دین الهی
۱۱۳	.....	ب) تعریف عام: دین و امر مقدس
۱۱۶	.....	ج) تعریف خاص: اعتقاد به خدا یا خدایان

- ۱۱۷ ..... (د) تعریف اخص: آیین توحیدی و وحیانی
- ۱۱۸ ..... دین: محتوای وحی (کتاب و سنت)
- ۱۱۹ ..... ارزیابی
- ۱۲۱ ..... تشخیص دین بر پایه هدف
- ۱۲۲ ..... ارزیابی
- ۱۲۳ ..... گفتار دوم: قلمرو دین
- ۱۲۳ ..... دیدگاه اول: حصرگرایی عقلی
- ۱۲۴ ..... ارزیابی و نقد
- ۱۲۶ ..... درباره‌ی انتظار بشر از دین
- ۱۲۷ ..... نیازهای اصیل آدمی و گوهر دین
- ۱۲۸ ..... ارزیابی
- ۱۳۰ ..... دیدگاه دوم: حصرگرایی نقلی
- ۱۳۱ ..... ارزیابی
- ۱۳۲ ..... دیدگاه سوم: تعاضد عقل و وحی بر تعیین قلمرو دین
- ۱۳۲ ..... الف) عقل و تعیین قلمرو دین
- ۱۳۲ ..... دین و هدایت الهی
- ۱۳۴ ..... برهان هدایت از منظر علامه طباطبائی
- ۱۳۷ ..... ضرورت و قلمرو دین از نگاه فلاسفه و مکتب‌ان اسلامی
- ۱۳۸ ..... دین و حیات دنیوی بشر
- ۱۳۹ ..... دین و حیات اخروی بشر
- ۱۴۱ ..... دین و تکامل انسانی
- ۱۴۲ ..... ب) وحی و تعیین قلمرو دین
- ۱۴۲ ..... قرآن و اهداف نبوت
- ۱۴۲ ..... گستره هدایت‌های قرآنی
- ۱۴۵ ..... نقد سکولاریسم
- ۱۴۸ ..... فصل سوم: چیستی علم دینی؛ تعریف‌ها و ملاک‌ها
- ۱۴۸ ..... تبیین موضوع

۱۵۱	تعریف‌ها و ملاک‌ها
۱۵۱	۱. کشف اراده الهی
۱۵۲	نقد
۱۵۲	ارزیابی
۱۵۳	۲. شناخت قول یا فعل الهی
۱۵۴	نقد
۱۵۵	ارزیابی
۱۵۶	انتقادات
۱۵۸	۳. ناسازگار نبودن با آموزه‌های دینی
۱۵۸	نقد
۱۵۹	۴. علم هماننگ ما مقاصد و آموزه‌های دینی
۱۶۰	نقد
۱۶۱	۵. علم استنباط شده از منابع و جهانی
۱۶۲	نقد
۱۶۷	۶. علم بر آمده از روش مورد قبول دین
۱۶۷	نقد
۱۶۹	ارزیابی
۱۷۰	۷. علم سازگار با آموزه‌های یقینی دین
۱۷۲	نقد
۱۷۴	۸. دینی بودن پیش فرض‌ها و فرضیه‌های علم
۱۷۵	نقد
۱۷۷	۹. علم ناشی از انگیزه دینی
۱۷۸	نقد
۱۷۷	۱۰. علم مبتنی بر جهان‌بینی و اخلاق دینی
۱۷۸	نقد
۱۷۸	۱۱. قرار دادن کلیت قضایای علمی در چهار چوب جهان‌بینی دینی
۱۷۹	نقد



- ۱۷۹ ..... دینی بودن فضای ذهن و ضمیر عالمان
- ۱۸۰ ..... نقد
- ۱۸۱ ..... دینی بودن جهان بینی عالم (دیدگاه برگزیده)
- ۱۸۵ ..... نتیجه

## بخش دوم: بررسی و نقد دیدگاه‌های ناممکن‌انگاران علم دینی

- ۱۸۹ ..... فصل اول: عبدالکریم سروش و انکار علم دینی
- ۱۸۹ ..... گفتار اول: بررسی علم دینی در مقام ثبوت
- ۱۹۰ ..... بررسی علم دینی بر اساس موضوع علوم
- ۱۹۱ ..... ارزیابی
- ۱۹۲ ..... بررسی علم دینی بر پایه روش علوم
- ۱۹۳ ..... ارزیابی
- ۱۹۴ ..... بررسی علم دینی بر اساس غایت علوم
- ۱۹۵ ..... ارزیابی
- ۱۹۷ ..... گفتار دوم: بررسی علم دینی در مقام اثبات (تکون تاریخی علوم)
- ۱۹۹ ..... ارزیابی
- ۲۰۰ ..... چگونگی تاثیر مبانی فلسفی در علوم تجربی
- ۲۰۲ ..... ارزیابی
- ۲۰۴ ..... گفتار سوم: تفسیر دیگری از علم دینی
- ۲۰۶ ..... ارزیابی
- ۲۰۹ ..... فصل دوم: مصطفی ملکیان و انکار علم دینی
- ۲۰۹ ..... استدلال اول: مراحل سه گانه پژوهش علمی
- ۲۱۰ ..... ارزیابی
- ۲۱۱ ..... استدلال دوم: ناتمامی مقدمات اسلامی سازی علوم انسانی
- ۲۱۲ ..... ارزیابی
- ۲۱۴ ..... استدلال سوم: نادرستی پیش فرض انگاری متون مقدس

خلاصه نقد ..... ۲۱۶

ارزیابی ..... ۲۱۷

## فصل سوم: علی‌پایا و دوگانگی علوم طبیعی و علوم انسانی در مسأله علم دینی ۲۲۲

گفتار اول: مبادی و مقدمات ..... ۲۲۳

۱. رئالیسم انتقادی و ویژگی‌های آن ..... ۲۲۳

۱-۱. تحول معرفت ..... ۲۲۳

۱-۲. فرض نامتناهی بودن واقعیت و نامعتبر بودن معرفت ..... ۲۲۶

ارزیابی ..... ۲۲۶

۲. ابطال‌گرایی در علوم تجربی ..... ۲۲۸

ارزیابی ..... ۲۲۸

۳. تفاوت‌های علم و تکنولوژی ..... ۲۲۸

ارزیابی ..... ۲۲۹

۱. مقایسه علم و تکنولوژی در رفع نیازهای معرفتی و معیشتی انسان ..... ۲۲۹

۲. تفاوت علم و تکنولوژی از جهت شمول و عدم شمول ..... ۲۳۰

۳. تفاوت علم و تکنولوژی از جهت نسبت آنها با ارزش‌های فرهنگی و دینی ..... ۲۳۰

الف) از جهت هدف ..... ۲۳۰

ب) از جهت کارکرد و پیامد ..... ۲۳۱

۴. تفاوت علم و تکنولوژی از جهت تاثیرپذیری از ارزش‌های فرهنگی ..... ۲۳۲

فاعلیت خدای متعال و انسان در علم ..... ۲۳۲

فاعلیت خداوند و انسان در تکنولوژی ..... ۲۳۳

نتیجه ..... ۲۳۵

گفتار دوم: تبیین و نقد ادله ناممکن یا نامطلوب بودن علم دینی ..... ۲۳۸

۱. تعلق ناپذیری علم ..... ۲۳۵

ارزیابی ..... ۲۳۶

۲. تضعیف شأن معرفت بخشی گزاره‌های علمی ..... ۲۳۶

ارزیابی ..... ۲۳۷

۳. نقد دینی‌سازی فرضیه‌های علمی ..... ۲۳۷

- ۲۳۸ ..... ارزیابی
- ۲۳۹ ..... ۴. تغییر پذیری نظریه‌های علمی و آسیب‌پذیری دین
- ۲۴۰ ..... ارزیابی
- ۲۴۲ ..... ۵. تاثیر کلی و اجمالی دیدگاه‌های منافیزیکی در علوم تجربی
- ۲۴۳ ..... ارزیابی
- ۲۴۶ ..... گفتار سوم: علم دینی و بومی در مورد علوم انسانی و اجتماعی
- ۲۴۸ ..... خلاصه نظریه
- ۲۴۸ ..... ارزیابی
- ۲۴۸ ..... ۱. جایگاه تبیین و پیش‌بینی در علم
- ۲۴۹ ..... ۲. تاثیر یا عدم تاثیر عوامل فرهنگی بر علم و تکنولوژی
- ۲۵۱ ..... ۳. رابطه تکنولوژی با علوم طبیعی و انسانی

## بخش سوم: دیدگاه‌های طرفداران علم دینی

- ۲۵۵ ..... فصل اول: سعید زبیا کلام و امکان علم دینی
- ۲۵۵ ..... مقدمه
- ۲۵۶ ..... عوامل مؤثر در فرضیه‌ها و آزمون‌های علمی
- ۲۵۸ ..... نقش دین در علوم انسانی و اجتماعی
- ۲۶۰ ..... ارزیابی
- ۲۶۳ ..... فصل دوم: مهدی گلشنی و ضرورت و راه‌کار علم دینی
- ۲۶۳ ..... گفتار اول: مباحث مقدماتی
- ۲۶۳ ..... ۱. سیر تحول رابطه علم و دین
- ۱-۱ ..... صیغه دینی علم در جهان اسلام و در آغاز شکل‌گیری علم در عصر جدید
- ۲۶۳ ..... ۱-۲ ..... جدایی علم از دین و فلسفه در غرب
- ۲۶۴ ..... ۱-۳ ..... توجه مجدد به نقش منافیزیکی در علم
- ۲۶۵ ..... ۲. تعریف‌ها و تلقی‌های مختلف از علم دینی
- ۲۶۵ ..... ۲

۲۶۷	تعریف مختار.....
۲۶۸	۳. قلمرو علم دینی: علوم طبیعی و انسانی.....
۲۶۹	ارزیابی.....
۲۷۱	<b>گفتار دوم: دلایل و شواهد.....</b>
۲۷۱	۱. سخنان فلاسفه علم و دانشمندان.....
۲۷۲	۲. مبانی متافیزیکی علوم (تعبیر و تعمیم داده‌های خام حسی).....
۲۷۳	ارزیابی.....
۲۷۳	۳. تأثیر جهان‌بینی دانشمندان در انگیزه‌های علمی آنان و گزینش نظریه‌ها.....
۲۷۴	ارزیابی.....
۲۷۵	۴. کمیت‌های مشاهده‌ناپذیر.....
۲۷۶	ارزیابی.....
۲۷۶	۵. تفسیرهای فلسفی داده‌های تجربی.....
۲۷۸	ارزیابی.....
۲۷۹	۶. نقش جهان‌بینی در جهت‌گیری‌ها و کاربردهای علم.....
۲۸۰	۷. مؤیدات و شواهدی دیگر.....
۲۸۳	حاصل دیدگاه و ارزیابی نهایی.....
۲۸۵	<b>فصل سوم: خسرو باقری و امکان علم دینی در قلمرو علوم انسانی.....</b>
۲۸۵	<b>گفتار اول: چستی علم.....</b>
۲۸۵	۱. رویکرد پوزیتیویستی در علم.....
۲۸۶	ویژگی‌های عمده اثبات‌گرایی.....
۲۸۶	۱-۱. انفکاک علم و متافیزیک.....
۲۸۶	۱-۲. انفکاک مشاهده و نظریه (تقدم مشاهده بر نظریه).....
۲۸۷	۱-۳. انفکاک امر واقع از ارزش.....
۲۸۷	۱-۴. انفکاک حوزه‌های کشف و داوری.....
۲۸۷	۲. رویکرد پسا اثبات‌گرایی در علم.....
۲۸۷	۱-۲. درهم تنیدگی علم و متافیزیک و تأثیر متافیزیک بر علم.....
۲۸۹	۲-۲. درهم تنیدگی مشاهده و نظریه.....
۲۹۰	۲-۳. عدم تعین نظریه توسط مشاهده و آزمون.....

- ۲۹۱ ..... ۲-۴. در هم تنیدگی علم و ارزش
- ۲۹۲ ..... گفتار دوم: چستی و قلمرو دین
- ۲۹۲ ..... ۱. نظریه دایرة المعارفی دین
- ۲۹۴ ..... نقد نظریه دایرة المعارفی دین
- ۲۹۴ ..... نقد اول
- ۲۹۵ ..... ارزیابی
- ۲۹۶ ..... نقد دوم
- ۲۹۶ ..... ارزیابی
- ۲۹۸ ..... ادله نقلی نظریه دایرة المعارفی دین
- ۲۹۹ ..... ۲. نظریه گزیده گویی درباره دین
- ۳۰۰ ..... گفتار سوم: معناداری یا بی معنایی علم دینی
- ۳۰۰ ..... ۱. وحدت‌گرایی معرفت‌شناختی و بی معنا بودن علم دینی
- ۳۰۱ ..... الف) اثبات‌گرایی منطقی و بی معنایی علم دینی
- ۳۰۳ ..... ب) پراگماتیسم و بی معنایی علم دینی
- ۳۰۴ ..... ۲. کثرت‌گرایی تبیینی و بی معنایی علم دینی
- ۳۰۵ ..... ۳. کثرت‌گرایی تداخلی و معناداری علم دینی
- ۳۰۷ ..... گفتار چهارم: رویکردهای مختلف در علم دینی
- ۳۰۷ ..... ۱. رویکرد استنباطی در علم دینی
- ۳۰۷ ..... نقد
- ۳۰۸ ..... ارزیابی
- ۳۰۹ ..... ۲. رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود
- ۳۱۲ ..... نقد
- ۳۱۴ ..... ارزیابی
- ۳۱۶ ..... ۳. رویکرد تاسیسی در علم دینی
- ۳۱۶ ..... امکان و فرایند علم دینی
- ۳۱۷ ..... توجیه علم‌شناختی علم دینی
- ۳۱۸ ..... حل یک مشکل
- ۳۱۹ ..... توجیه دین‌شناختی علم دینی

۲۲۰	.....	ارزیابی
۳۲۵	.....	<b>فصل چهارم: تاسیس علم دینی از دیدگاه فرهنگستان علوم اسلامی</b>
۳۲۵	.....	مقدمه
۳۲۶	.....	<b>گفتار اول: علم دینی و ولایت الهی</b>
۳۳۱	.....	خلاصه
۳۳۲	.....	ارزیابی
۳۳۲	.....	حضور، انکشاف و انطباق در علم
۳۳۴	.....	امکان تطابق ذهن و عین
۳۳۵	.....	اثبات مطابقت ذهن با عین
۳۳۶	.....	معناداری علم دینی بر مبنای انکشاف و مطابقت
۳۳۸	.....	علم، اخبار و اراده
۳۳۸	.....	ارزیابی
۳۴۲	.....	حق و باطل در انبیه و انکشاف
۳۴۳	.....	<b>گفتار دوم: دین ولایی یا ولایت دینی</b>
۳۴۵	.....	حاصل دیدگاه
۳۴۵	.....	ارزیابی
۳۴۵	.....	دین در لغت
۳۴۶	.....	دین در قرآن کریم و روایات
۳۵۱	.....	نقش ولایت الهی در علم دینی
۳۵۳	.....	<b>گفتار سوم: روش‌شناسی علم دینی</b>
۳۵۶	.....	حاصل دیدگاه
۳۵۷	.....	ارزیابی
۳۵۸	.....	الف) ناسازگاری درونی
۳۵۹	.....	ب) حجیت شرعی عقل از منظر عقل
۳۶۰	.....	ج) حجیت شرعی عقل از دیدگاه قرآن کریم
۳۶۳	.....	د) حجیت شرعی عقل در روایات
۳۶۹	.....	نتیجه
۳۶۹	.....	روش فقهاتی در علوم دینی

فصل پنجم: سید حسین نصر و علم قدسی و دینی..... ۳۷۱

گفتار اول: جایگاه قداست در علوم سنتی و جدید..... ۳۷۲

۱. علم مقدس..... ۳۷۲

۲. جدایی علم جدید از امر قدسی..... ۳۷۳

۳. امر قدسی، عنصر کانونی در علوم سنتی..... ۳۷۴

اشکال..... ۳۷۵

پاسخ..... ۳۷۵

اشکال..... ۳۷۶

پاسخ..... ۳۷۶

ارزیابی..... ۳۷۸

۴. عقل شهودی و عقل استدلالی..... ۳۸۰

ارزیابی..... ۳۸۲

گفتار دوم: بررسی انتقادی علم جدید؛ پی آمدها و بحران‌ها..... ۳۸۴

الف) لزوم رویکرد انتقادی به علم و فناوری..... ۳۸۴

ب) وجوه انتقادی علم و فناوری جدید..... ۳۸۶

۱. نقد غایی و هدفی..... ۳۸۶

۲. شالوده‌های فلسفی علم جدید..... ۳۸۷

۳. نفی منبع و حیاتی شناخت..... ۳۸۷

۴. علم جدید و بحران اخلاقی..... ۳۸۸

۵. تضعیف باورهای دینی..... ۳۹۰

۶. انهدام علم فرجامین به حق و محرومیت از علم به کل واقعیت مطلق..... ۳۹۱

۷. خسارت‌های مادی و معیشتی..... ۳۹۲

ارزیابی..... ۳۹۴

۱. ناسازگاری درونی..... ۳۹۴

۲. تفکیک نقد علم و فناوری جدید از نقد مدرنیته..... ۳۹۵

۳. خطاپذیری و تکامل‌پذیری علم و فناوری..... ۳۹۷

گفتار سوم: راه کار تاسیس علم دینی اسلامی..... ۳۹۸

۱. کشف و تدوین جهان بینی اسلامی به عنوان شالوده‌ای برای علوم ..... ۳۹۹

۲. احیای علوم اسلامی سنتی ..... ۴۰۰

۳. تلفیق علم با اخلاق ..... ۴۰۰

۴. درباره فناوری ..... ۴۰۰

ارزیابی ..... ۴۰۲

**فصل ششم: علم دینی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی ..... ۴۰۵**

گفتار اول: چیستی و امکان علم دینی ..... ۴۰۵

۱. معایب علوم تجربی موجود ..... ۴۰۵

۲. سستی نگری در اسلامی کردن علوم ..... ۴۰۷

۳. معنا و مصادک علم دینی ..... ۴۰۷

۴. امکان علم دینی ..... ۴۰۹

دفع یک توهم ..... ۴۱۲

گفتار دوم: مبنای معرفت شناختی علم دینی ..... ۴۱۲

۱. چیستی و کاربردهای عقل ..... ۴۱۲

۲. علم روان شناختی (قطع قطاع) ..... ۴۱۳

۳. مراتب علم ..... ۴۱۴

۴. رئالیسم و واقع گرایی ..... ۴۱۴

۵. علوم تجربی و افاده اطمینان عقلایی ..... ۴۱۵

۶. شاخه‌های علوم ..... ۴۱۶

۷. رابطه علم و الهیات (فلسفه) ..... ۴۱۶

ارزیابی ..... ۴۱۷

گفتار سوم: مبنای دین شناختی علم دینی ..... ۴۱۸

چیستی دین ..... ۴۱۸

ارزیابی ..... ۴۱۹

۲. بعد هستی شناختی و معرفت شناختی دین ..... ۴۲۰

قلمرو دین (دین و علم) ..... ۴۲۱



۴۲۵	..... ارزیابی
۴۲۵	..... ۱. ملاحظات ابتدایی
۴۲۶	..... ۲. نقد استدلال عقلی
۴۲۶	..... ۳. قلمرو وحی از منظر برهان عقلی
۴۲۷	..... ۴. قلمرو وحی از منظر دلایل وحیانی
۴۲۹	..... ۵. بررسی دلایل نقلی
۴۳۴	..... تحقیقی از آیت الله شعرانی
۴۳۵	..... نتیجه
۴۳۵	..... آیات و روایات مربوط به پدیده‌های طبیعی
۴۳۷	..... گفتار چهارم: منای اصولی و فقهی علم دینی
۴۳۷	..... حجیت شرعی نقل و علم
۴۴۰	..... ارزیابی
۴۴۸	..... گفتار پنجم: شاخص‌ها و راه‌کارهای دینی سازی علوم
۴۴۹	..... الف) شاخص‌های علم دینی
۴۴۹	..... ۱. شاخص جهان‌بینی الهی و توحیدی
۴۵۰	..... ۲. حجیت شرعی علوم
۴۵۰	..... ۳. استناد به دلایل نقلی معتبر
۴۵۱	..... ۴. تعمیم دین به عالم تکوین
۴۵۱	..... ب) راه‌کارهای دینی سازی علوم
۴۵۵	..... ارزیابی
۴۵۶	..... گفتار ششم: آیا علم هویت دینی دارد؟
۴۵۶	..... الف) دینی بودن هویت علم
۴۵۷	..... ب) امکان الهی و الحادی بودن علم
۴۵۸	..... ارزیابی
۴۶۰	..... فصل هفتم: علم دینی برشالوده جهان‌بینی دینی (دیدگاه برگزیده)
۴۶۰	..... مقدمه
۴۶۱	..... چیستی و اقسام علم

۴۶۳	..... چيستی دين
۴۶۴	..... علم دينی
۴۶۵	..... پيوند دين با علم به معنای کمال نفسانی
۴۶۶	..... توصيف رشته‌های علمی به دينی و غير دينی
۴۶۹	..... بيانی ديگر در ملاک و اقسام علم دينی
۴۷۱	..... تعيين محل بحث
۴۷۲	..... امکان علم دينی از حيث موضوع، روش و غایت علوم
۴۷۲	..... الف) موضوع علم
۴۷۳	..... ب) روش علوم
۴۷۴	..... ج) غایت و هدف علوم
۴۷۴	..... تاثير جهان بينی عالم در سر نوشت علم
۴۷۶	..... تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی
۴۷۸	..... موافقت يا عدم مخالفت با آموزه‌های دين
۴۷۹	..... ارزیابی
۴۸۱	..... کتابنامه
۴۸۸	..... نمايه آیات
۴۹۳	..... نمايه روايات
۴۹۵	..... نمايه موضوعات
۵۰۷	..... نمايه اعلام
۵۱۱	..... نمايه کتابها
۵۱۵	..... نمايه مکان‌ها
۵۱۶	..... نمايه ادیان، مذاهب و مکاتب

## پیش گفتار

### پیشینه و انگیزه طرح مسأله علم دینی

بحث از رابطه دانش بشری با دین از دغدغه‌های مشترک و دیرینه عالمان متدین و دین‌داران عالم بوده است. به تناسب نوع دانش بشری که در هر عصر مورد توجه بوده، یا به دلیل تخصص عالمانی که به این مبحث توجه کرده‌اند، این مسأله در هر برهه‌ای از زمان شکل خاصی به خود گرفته و تحت عنوانی خاص، مانند «رابطه عقل و دین» یا «فلسفه و دین» یا «علم و دین» مطرح شده است. وجه مشترک این مباحث گوناگون این است که همه می‌خواهند بدانند میان دانشی که منشأ آسمانی و الهی دارد و از راه وحی و الهام به اولیای الهی به دست بشر می‌رسد با دانش‌هایی که ریشه در فهم عادی بشر دارند و از مجاری ادراکی عمومی (عقل و تجربه حسی) به دست می‌آیند چه نسبتی وجود دارد؟ این مسأله هنگامی جدی‌تر می‌شود و به صورت یک معضل رخ می‌نماید که میان معرفت دینی با معرفت بشری بر سر یک مسأله اختلاف نظر بروز کند و هر یک پاسخی متفاوت برای آن پیش نهد.

اکنون پیشینه و انگیزه طرح مسأله علم دین را در جهان غرب و جهان اسلام و در ایران بررسی می‌کنیم.

### ۱. در جهان غرب

در جهان غرب با تحولاتی که از دوره رنسانس شروع شد و به شکل‌گیری تمدن جدید و مدرنیته انجامید، جریان علم سعی کرد به تدریج جایگزین جریان دین شود. البته این واقعه به صورت تدریجی و طی چند قرن رخ داد. بسیاری از پیشگامان علم جدید همچون رابرت بویل، نیوتن و لایب‌نیس نه تنها بین علم و دین تعارضی نمی‌دیدند، بلکه اساساً نظریات جدید علمی خود را به گونه‌ای مطرح می‌کردند که -لااقل از نظر خود- به تقویت نگاه دینی به عالم مجرب

شود.<sup>۱</sup> اما از طرفی ضعف تفکر فلسفی که از ابتدای رنسانس دامنگیر تفکر جدید شده بود و نیز ضعف کلیسا در مواجهه معقول و عمیق با پیشرفت‌های علمی و از طرف دیگر نقش آفرینی علوم جدید در دست یابی روز افزون به تکنولوژی که روال زندگی دنیوی را تسهیل می‌کرد، به شکل گیری جریان «علم زدگی» (سایتیسم) انجامید و روز به روز عرصه را بر دین و دین‌داران تنگ‌تر می‌کرد. اما از آن جا که علم جدید از عهده پاسخ گویی به پاره‌ای از نیازهای مهم انسان برنیامد و بلکه خود مشکلات جدیدی را در عرصه حیات انسانی پدید آورد، امروزه شاهد نوعی بازگشت به دین هستیم.

در قرن هجده و نوزده میلادی دانشمندان بسیاری معتقد شدند که همه مشکلات بشر با سرانگشت علم گشوده خواهد شد، ولی تجربه خلاف آن را ثابت کرد. امروز، دیگر اندیشمندی یافت نمی‌شود که نیاز انسان را با نوعی ایمان و لو ایمان غیر مذهبی که به هر حال امری ماوراء علم است انکار کند. برتراند راسل با آن که گرایش‌های مادی دارد اعتراف می‌کند که: کاری که منظور آن فقط در آمد باشد، نتیجه مفیدی بار نخواهد آورد. برای چنین نتیجه‌ای باید کاری پیشه کرد که در آن ایمان به یک هدف دینی، به یک غایت نهفته باشد.<sup>۲</sup>

جورج سارتن، دانشمند مشهور جهان و نویسنده کتاب معروف «تاریخ علم» در کتاب «شش بال» درباره نیاز انسان به مثلث هنر و دین و علم گفته است: «هنر، زیبایی را آشکار می‌سازد و همین جهت مایه شادی زندگی می‌شود. دین محبت می‌آورد و موسیقی زندگی است. علم با حق و راستی و عقل سروکار دارد و مایه هوشیاری نوع بشر می‌شود. به هر سه اینها نیاز مندیم، علم برای زندگی لازم است ولی هرگز به تنهایی کافی نیست».<sup>۳</sup>

۱. رابرت بویل، علم را یک رسالت دینی می‌دانست که عبارت است از باز نمودن اسرار صنع بدیعی که خدا بدو جهان پدید آورده است (ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، ص ۴۵). نیوتن در مقدمه کتاب معروفش Principia توضیح می‌دهد که اساساً این کتاب را به عنوان برهانی بر وجود خدا نوشته است. وی در زمان خود، نه تنها به عنوان یک فیزیکدان، بلکه به عنوان یک متکلم و الهی دان شناخته می‌شد (همان، ص ۴۹-۵۳ و ۵۹). لایب نیتس معتقد بود که ما در علوم است که قدرت، حکمت و نیکی خداوند را می‌بینیم (مهدی گلشنی، از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۹).

۲. انسان و ایمان، ص ۳۰-۳۱؛ مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۳۷-۳۸، به نقل از زناشویی و اخلاق، برتراند راسل.

۳. همان، ص ۳۲-۳۳؛ همان، ج ۲، ص ۳۸-۳۹، به نقل از شش بال، ص ۳۰۵.

امروز غالباً دریافته‌اند که ساینسیسم (علم‌گرایی محض) و تربیت علمی خالص، از ساختن انسانِ تمام‌ناتوان است. تربیت علمی خالص نیمه‌انسان می‌سازد نه انسان تمام (محصول این تربیت، ماده خام انسان است نه انسان ساخته‌شده)، انسان توانا و قدرتمند می‌سازد نه انسان بافصلیت، انسان تک‌ساختی می‌سازد نه انسان چندساختی<sup>۱</sup>.

لذا مسأله علم دینی فقط در جهان اسلام مطرح نبوده است. در جهان مسیحیت نیز در چند دهه اخیر این مسأله با قوت مورد بحث قرار گرفته است و حتی در این خصوص کنفرانس‌هایی برگزار شده است... امروزه اصطلاح theistic science در محافل فرهنگی غرب اصطلاح جا افتاده‌ای است.<sup>۲</sup>

## ۲. در جهان اسلام

ورود علم جدید به کشورهای اسلامی وضع دیگری داشت. تفوق تکنولوژی و نظامی غربیان به هنگام مواجهه با شرقیان نوعی احساس قلت و عقب‌ماندگی را به شرقیان القا کرد و برخی از شخصیت‌های مشرق‌زمین در برابر عظمت مادی غرب دچار خودباختگی شدند و علم جدید را زاده فرهنگ جدید - آن هم فرهنگ بی‌دینی - دانستند و با اصرار بر ورود علم، خواسته یا ناخواسته بر ورود فرهنگ جدید نیز اصرار ورزیدند. لذا ورود علم غربی از ابتدا نه در بستری طبیعی، بلکه در وضعیتی تحمیلی به جوامع شرقی رخ داد. عده‌ای برای تحصیل این علم راهی دیار فرنگ شدند و چنان شیفته این علم گردیدند که از ابتدا به جای این که این علم را به تدریج در نظام آموزشی موجود تزریق کنند، از اساس نظام آموزشی موجود در مکتب‌خانه‌ها و حوزه‌های علمیه - را مورد بی‌اعتنایی قرار دادند و نظام آموزشی کاملاً جدیدی تاسیس کردند. البته افراط و تفریط‌های پاره‌ای از دست‌اندرکاران نظام آموزش قبلی نیز در وقوع این امر بی‌تأثیر نبود.

به تدریج در اغلب کشورهای اسلامی دو نظام آموزشی پدید آمد: یکی نظام آموزشی سنتی که توسط رهبران دینی جوامع اسلامی مدیریت می‌شد و دیگری نظام آموزشی مدرن که غالباً توسط حکومت‌ها - که عمدتاً تحت سلطه مستقیم یا غیر مستقیم کشورهای غربی بودند - تاسیس و

۱. انسان و ایمان، ص ۲۵-۲۶؛ مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۳۴.

۲. از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۴۷.

اداره می گردید. بدین ترتیب چالشی که در غرب طی چند قرن بین علم و دین رخ داده بود، در کشورهای اسلامی در کمتر از چند دهه تحقق یافت. پیروان علوم جدید، به تبع فضای پوزیتیویستی غربی، علوم سنتی و نظام آموزشی سنتی را غیر علمی خواندند و آن را نماد «دین» و خود را نماد «علم» معرفی کردند و اغلب تحصیل کردگان نظام سنتی نیز به این ادبیات تن دادند و تقابل پیروان علوم جدید و پیروان علوم سنتی به عنوان تعارضات علم و دین در جامعه مطرح شد.

با این حال، از همان اوان ورود علوم جدید به جهان اسلام، عده‌ای در صدد آشتی دادن این دو عرصه برآمدند. برخی از اینان که هم دغدغه حفظ زندگی دینی را داشتند و هم خواهان دست یابی به پیشرفت‌های علمی بودند، توصیه‌های کلی دین به علم آموزی را منطبق با تعلم و تعلیم علوم جدید دانسته، نپایه‌نگام مواجهه با تعارضات صریح آموزه‌های دین با علوم جدید، به چاره جویی می پرداختند اما به تدریج در بین کسانی که در نظام آموزشی جدید تحصیل می کردند، تحت تاثیر علم جدید و پیرایه‌های فرهنگی و فلسفی آن، نسل جدیدی پدید آمد که پای بندی سابق را به آموزه‌های دینی نداشت، لذا عده‌ای به این فکر افتادند که با مشکل به نحو عمیق تری برخورد کنند، به گونه‌ای که هم علوم غربی را بپذیرند و هم از آفات آن برحذر باشند. تفکر «اسلامی کردن علوم» زاینده چنین تفکر و تصمیمی است.<sup>۱</sup>

ابوالاعلی مودودی را نخستین شخصیتی دانسته اند که مساله اسلامی کردن دانشگاه و اسلامی کردن دانش را در دهه ۱۹۳۰ م مطرح کرد و گفت: «یک دانشگاه با هر موسسه آموزشی دیگر، باید تابع هویت فرهنگی باشد و فرهنگی را که به آن معتقد است منعکس کند... هر موسسه، برنامه آموزشی خود را بر طبق ایدئولوژی و فرهنگی که به آن متعهد است می ریزد. اکنون سوال این است که آیا دانشگاه اسلامی تاسیس شده است که از فرهنگ اسلامی حمایت کند؟»<sup>۲</sup>. وی هم چنین درباره مطرح کردن مساله اسلامی کردن دانش ها گفته است: «موقع آن است که مسلمانان از نظام قدیمی و کهنه آموزش و نیز از نظام جدید سکولار رهایی یابند و یک نظام جداگانه آموزشی برای خودشان بنا کنند که سرشت آن تا آن جا که ممکن است جدید باشد و بهترین

۱. معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، ص ۲-۴.

۲. از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۴۵.

استفاده را از علم و فون جدید بکند، ولی جهت‌گیری اسلامی آن رقیق شده باشد. این طرح را کسانی می‌توانند اجرا کنند که نه تنها به اسلام و قوف کامل دارند، بلکه به ایمان و اعتقاد راسخ نیز مجهز هستند.<sup>۱</sup>

در سال‌های بعد در جهان اسلام گردهمایی‌هایی در زمینه علم دینی تشکیل شده که از جمله آنها می‌توان این موارد را نام برد:

.. در بهار ۱۳۵۶ (آوریل ۱۹۷۷م) اولین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش اسلامی در مکه معظمه با شرکت ۳۱۳ نفر از اندیشمندان جهان اسلام تشکیل شد و در آن اسلامی کردن رشته‌های مختلف دانش مطرح گردید.<sup>۲</sup>

:: در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲م) سمینار بین‌المللی اسلامی کردن دانش در اسلام آباد پاکستان برگزار شد.

:: در تابستان ۱۳۶۳ (۱۹۸۴م) دکتر اسماعیل فاروقی، رئیس موسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی (در آمریکا) کنفرانس بین‌المللی اسلامی کردن رشته‌های دانش را در مالزی به راه انداخت.

رخداد دیگر در این زمینه تأسیس دانشگاه اسلامی و نشر کتاب و انتشار مقالات است. از اوایل دهه ۱۳۶۰ تعدادی دانشگاه بین‌المللی اسلامی در کشورهای اسلامی مانند پاکستان، مالزی، الجزایر، آمریکا و انگلیس تأسیس شده است و در سنوات گذشته تعدادی مجله علمی در این زمینه دست به فعالیت زده و کتاب‌های بسیاری نیز منتشر شده است.

### ۳. در ایران

مساله علمی شدن نظام آموزشی و به طور خاص اسلامی شدن دانشگاه‌ها در ایران به دوران پس از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. نخستین بار در اسفند ۱۳۵۷ درباره انتقال به آموزش و پرورش اسلامی، سمیناری در شیراز برگزار شد که ظرف شش ماه تکرار شده و حاصل این دو سمینار

۱. از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۴۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۴۶-۱۴۷.

محلی، ارائه طرحی تحت عنوان «طرح کلی درباره اصول و ضوابط حاکم بر دانشگاه های اسلامی» بود. سپس در شهریور ۱۳۵۹ سمیناری در سطح ملی تحت عنوان «اولین سمینار انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی» در تهران برگزار شد.<sup>۱</sup>

منشأ پیدایش انقلاب اسلامی توجه به این حقیقت بود که نظام رفتاری حاکم بر جامعه ایران در زمان طاغوت با مبانی نظری و عملی اسلام در تضاد بود و مظاهر فرهنگی منحط مادی و سکولار خود را بر این جامعه تحمیل کرده بود. بر این اساس شالوده و متن انقلاب اسلامی ایران را انقلاب فرهنگی تشکیل می دهد. از این رو از همان اولین سال های پیروزی انقلاب اسلامی، مسأله انقلاب فرهنگی مطرح شد و حضرت امام خمینی علیه السلام دستور دادند تا ستادی به نام «ستاد انقلاب فرهنگی» به منظور برنامه ریزی و هدایت این مهم تشکیل شود. یکی از مسایلی که این ستاد بر اهمیت آن واقف شد و برای آن تصمیم گیری کرد، اسلامی شدن دانشگاه ها بود.

ابهامی که در مفهوم اسلامی شدن دانشگاه ها وجود داشت موجب برداشت های مختلف و ارائه راه کارهای گوناگون شد. کسانی ناآگاهانه یا متعمدانه، ساده انگارانه با مسأله برخورد می کردند و اسلامی سازی دانشگاه ها را از ساختن مسجد، برگزاری نماز جماعت، برپایی مراسم عزاداری و مانند آن خلاصه می کردند و از طرف دیگر کسانی که به مسایل اشراف داشتند و نیازهای جامعه را درک می کردند، راه حل مشکلات دانشگاه ها و جامعه را در این گونه اقدامات صوری و شکلی نمی دیدند. آنان معتقد بودند: منظور از این که دانشگاه ها اسلامی می شود این است که آموزه های دانشگاه و تربیت دانشجویان بر اساس باورها و ارزش های اسلامی باشد. یعنی شیوه کار در دانشگاه و روند فعالیت تحقیقی و علمی در مراکز تحقیقی به گونه ای باشد که تحصیل کرده دانشگاهی ما توان اثبات حقایق اسلامی و ابطال نظریات مخالف اسلام را داشته باشد، نه این که چنان پرورش یابد که از آغاز، فکر او با فرهنگ غیر اسلامی عجین گردد و آنها را به مثابه

۱. از علم سکولار تا علم دینی، ص ۱۴۷.

۲. این ستاد بعدها با تغییر ساختار به شورای عالی انقلاب فرهنگی تبدیل شد.

۳. رابطه علم و دین، ص ۱۶-۲۲.



حقایق مسلم پذیرد و در نتیجه نتواند از عقاید و ارزش‌های خود دفاع کند.<sup>۱</sup>

طی دو دهه از انقلاب، کار جدی و اساسی به صورت تاثیر گذار از سوی جریان‌ها و موسساتی که فضای مدیریت علمی و فرهنگی جامعه دینی را به دست گرفته بودند مشاهده نشد؛ به جز تولید و عرضه متون درسی در حوزه علوم تخصصی انسانی با پسوند اسلامی، تا این که در دهه سوم انقلاب، مقام معظم رهبری در پاسخ نامه جمعی از نخبگان حوزوی مسأله تولید علم دینی و جنبش نرم‌افزاری و مهندسی تمدن اسلامی را مورد تاکید مضاعف قرار دادند. به دنبال چنین حرکتی از سوی رهبری، که از حمایت سیاسی و فرهنگی برخوردار شد، از سوی برخی مراکز علمی مانند: معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، دانشگاه باقر العلوم علیهم‌السلام، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات، موسسه امام خمینی علیه‌السلام، دفتر فرهنگستان علوم اسلامی و... همایش‌های علمی در کرسی‌های نقد و نظریه پردازی در این باره برگزار شد و کتاب‌هایی نیز منتشر گردید. مقالات متعددی نیز در مجلات: ذهن، قبسات، حوزه و دانشگاه، کتاب نقد، رواق اندیشه و... چاپ گردیده است.

این جانب در ادامه دروس کلام جدید که از اواسط دهه ۷۰ هجری شمسی در مدرسه فیضیه قم آغاز و تا سال ۹۵-۹۶ ادامه یافت، طی دو سال درسی (۹۴-۹۵ و ۹۵-۹۶) به بررسی «علم دینی» پرداختم. این بحث‌ها پس از ویرایش و بارنگری‌های لازم در اثر حاضر تدوین گردیده است.

مباحث کتاب از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول به معرفت و تبیین علم، دین و علم دینی می‌پردازد. در بخش دوم دیدگاه‌های ناممکن‌انگاری علم دینی بررسی شده است، و بخش سوم به تبیین و بررسی مهم‌ترین نظریه‌های طرفداران علم دینی پرداخته که فصل پایانی آن، نظریه مورد قبول نگارنده را دربر دارد.

امید آن که این اثر بتواند، نقشی هر چند اندک در تبیین این مسأله مهم ایفا نماید و برای مخاطبان آن که علاقمندان و پژوهشگران ارجمند مسأله علم دینی اند، به ویژه طلاب و دانشجویان گرامی، سودمند و راه‌گشا باشد. از آن‌جا که کار علمی یا عملی هیچ انسان غیر معصومی، پیراسته

از نقصان و خطا نخواهد بود، نقصان یا خطای احتمالی که به ذهن و نظر خوانندگان نقاد برسد را با دیده منت پذیرا خواهم بود.

در پایان، به عنوان ادای وظیفه اخلاقی و انسانی، از جناب حجة الاسلام آقای حسن مجتبی زاده (دام عزه) که در تدوین این اثر، نگارنده را یاری نمودند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

قم - حوزه علمیه

۱۳۹۷/۶/۱ ش

۱۱ ذیحجه الحرام ۱۴۳۹ ق

www.ketab.ir